

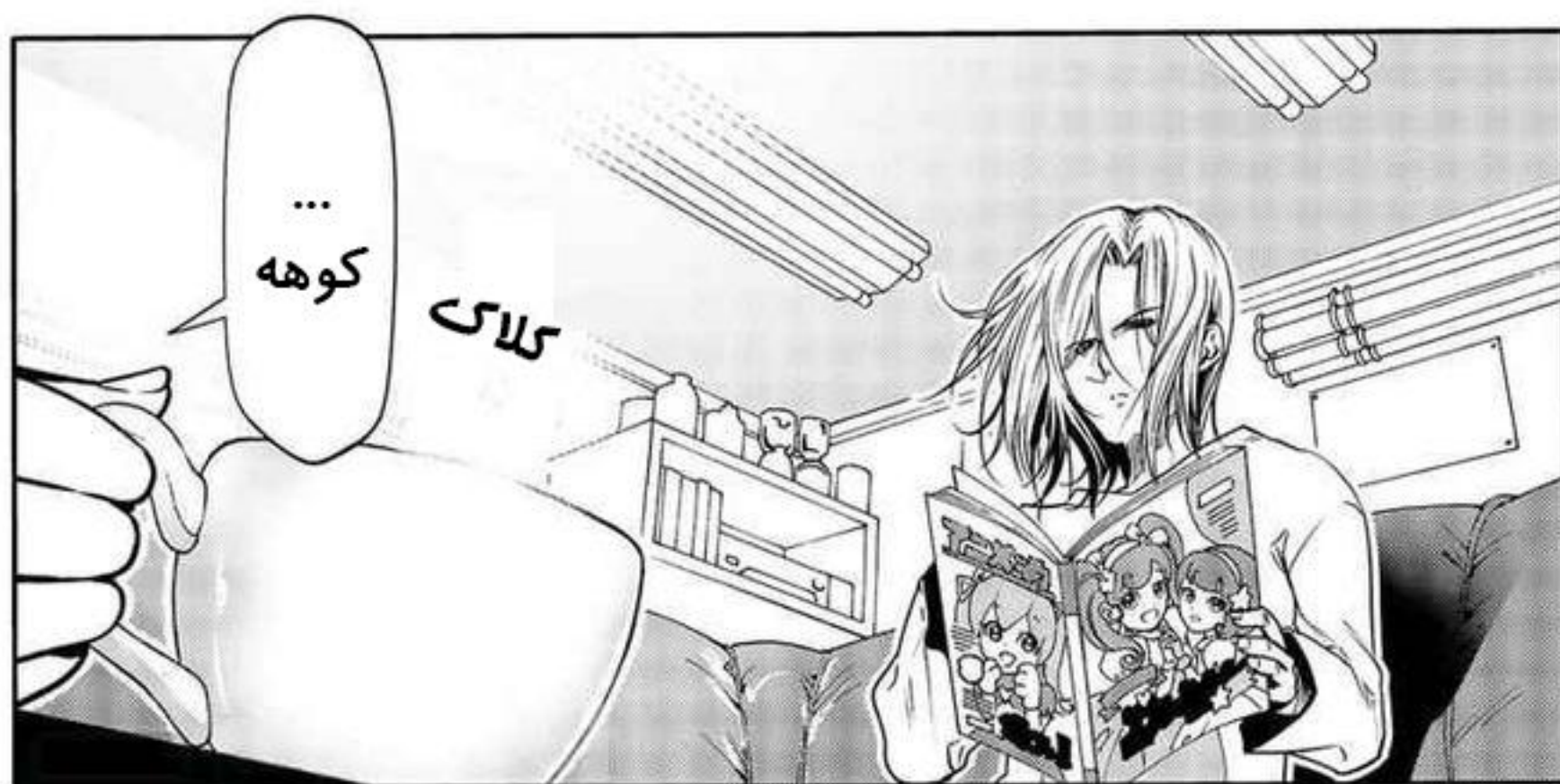


Grand Blue 16

原作 **井上堅二**
Kenji Inoue
漫画 **吉岡公威**
Kimitake Yoshioka

ترجمه: dsajjad4 & A_OFF
نایب: dsajjad4 & SUN
کلین: dsajjad4

کاری از تیم ترجمه‌ی اتاکومیمنز





لطفا
کمکم
کن!



من این
همه راه
نیومدم که
بهم توهین
بشه

کوهه تو
خیلی درباره
روش های
کشیف ، حقه
بازانه و شرم
آور میدونی ،
درسته!؟



هیچ فکری
به ذهنم
نمیرسه!

امیدوارم ازم
نخواستته باشی
پیام تا مهارت
ذشت کردن
قیافه رو بهم
نشون بدی؟

هق

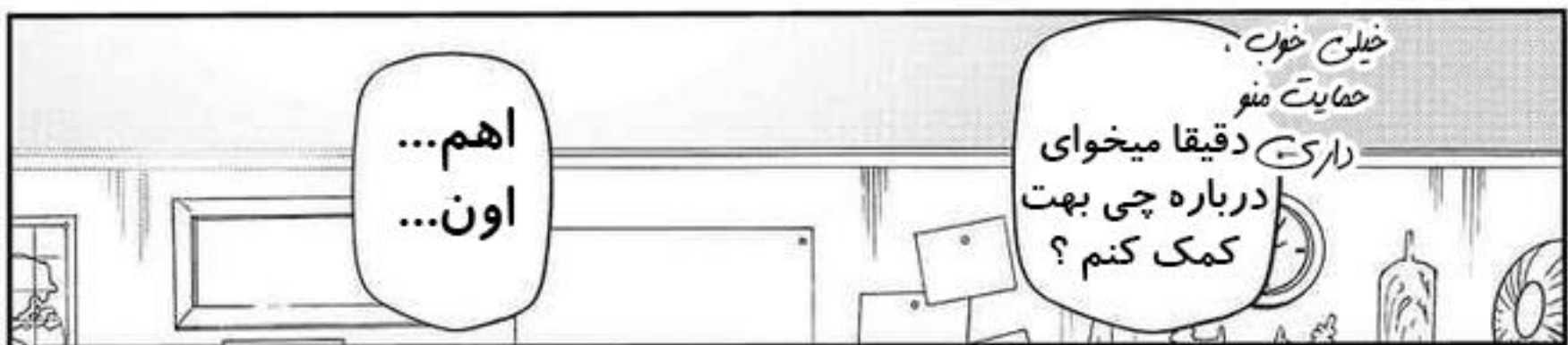
هق



همونطور
که فکر
میکردم

نه ،
درست
میگی

اشتباه
میکنم؟



چی داریم؟

این درباره دوستمه ، فهمیدی؟

این یارو که دوستش داره اخیرا یه پول دستش اومده

الان این یارو نقشه داره که با این پول بره سفر و یه دختر دیگه رو دعوت کرده

تو این سفر اونا قطعا به هم نزدیک میشن و من میخوام جلوشون رو بگیرم



پول



سفر



عشق

داری درباره کیتاها را و کوته گاوا حرف میزنی

گفتم که درباره دوستمه!

تو این موقعیت چیکار میشه کرد؟

به کلامی دیگه اون قبل اینکه اون دلارهای گنده دستش برسه تو فکر سفر نبوده

*بله اینجا واقعا گفت "من"

خوب

هم ...

هم

خوب



بسی کن

فقط اون
بلیط لاتاری
رو بسوزون

خیلی
بیرکماندست!

فوشش



خیلی
میپرسی

راه دیگه
نیست؟



چندتا گردن
کلفت اجیر کن
تا دخلشو بیارن
و پولاشو ازش
بگیرن

یه نقشه زیر کانه
بکش که تو یه
حادثه کلی پول
بدهکار بشه؟

بلیطو
ارگن
بیار

هل دادن
شکستن

هزینه
۵۰۰
میلیون
دلار

یکی
دیگه!

بعدی!

اشک ریزان

نظرت
درباره
راست
و پوست
کنده :

لطفا
نرو!

مستقیم
خواستن
چیه ؟

همین
انگار
میتونم
انجامش
بدم!

چرا
که نه؟

م- میپرسی
چرا...؟
چو- چونکه
...

اونا قرار
نمیزارن ،
برای همین
خیلی عجیب
بنظر میاد اگه
همچین چیزی
بگه

هم

...

پس فقط
برو بهش
اعتراف کن
و بعد بهش
بگو نره

ا-اعتراف
؟!





تا الان کار میکنی، کار دوم گرفتی؟

فقط به کسانی که تو شیفت روز کار میکنی کمک میکنم

اخیراً تو سالن کمپور کار کردی داریم

در عوضش، انگار تو داری از وقت لذت میبری

اون ازم خواست

گفتم! من گفتم بیدار! تا درباره کاری تصمیم بگیریم

شکر

پیسست

تپش

تپش



آه کار دوستم ...

کار؟



به هر حال کارمون تموم نشده پس ما رو ببخشید

چشون شده؟

?

مونده بودم الان میخواستی چیکار کنی

من فقط ... علاقه ای به نظری ندارم

مجله



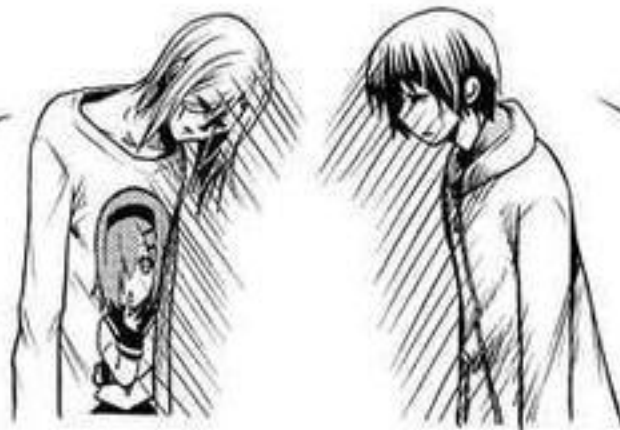
آینا...
یه مرد رو
به زور داره
میبره...
خونش؟!!

میخوای
به زور
میبرم
کنی؟

غیر منطقی
حرف زن
و برو تو
دیگه!



باورم
نمیشه
اولین
بارم
کیکی
بود...



باورم
نمیشه
اولین
بارم با
کوهه
بود...



هی میکن
"اولین
بارم"
...

اولین
بارم
...

اولین
بارم
...



اما این
به اون
معنی نیست
که برای اون
آورده باشدش
...



او-
۹۹۹۹

ها-
عاه

ضرریه

هنوز
آب ها
تو عمق
چرپان
دارن!

*ترجمه انگلیسی بود



هنوز دو دقیقه هم نشده رفتن تو و همون اول کار شروع کردن؟! چی هستی حیوان؟

ضربه

خوب ،
اتفاقیه که
افتاده ، پس
اگه بیخیالش
بشی بهتره

درسته...
با اون چیزی
که تصور میکردم
خیلی فرق داشت
اما باید واقعیت
رو قبول کرد و
ادامه داد

خوب ،
چطوری
باید انجامش
بدیم ؟
ایده ای
داری ؟

بزار
فکر
کنم...

ایده؟



شاید...
بهتره زنگ
بزنی به
دوستات ؟
اونا وارد
ترن

چی داری
میگی ؟



این
...

!؟

با این ایده
مخالفت هم
نمیکنی ؟
چرا معطلی
چوایشو بده؟! زنگ بزنی؟

خوب ،
اگه این
خوب
نیست
...





قول؟

در ضمن،
قولی که
دادی چی
میشه؟ به
من میدیش
یا نه؟

پس فکر
میکردی
چی باشه؟

آه، پس
قضیه این
بود.

آه-
ها-
ها-
...

کاملاً
فراموشش
کرده
بودم.



اونی که
هیچکس
نخواستش...

به من گفته شد
که اون بازی که
از کیوتو گرفتم
بهش بدم.



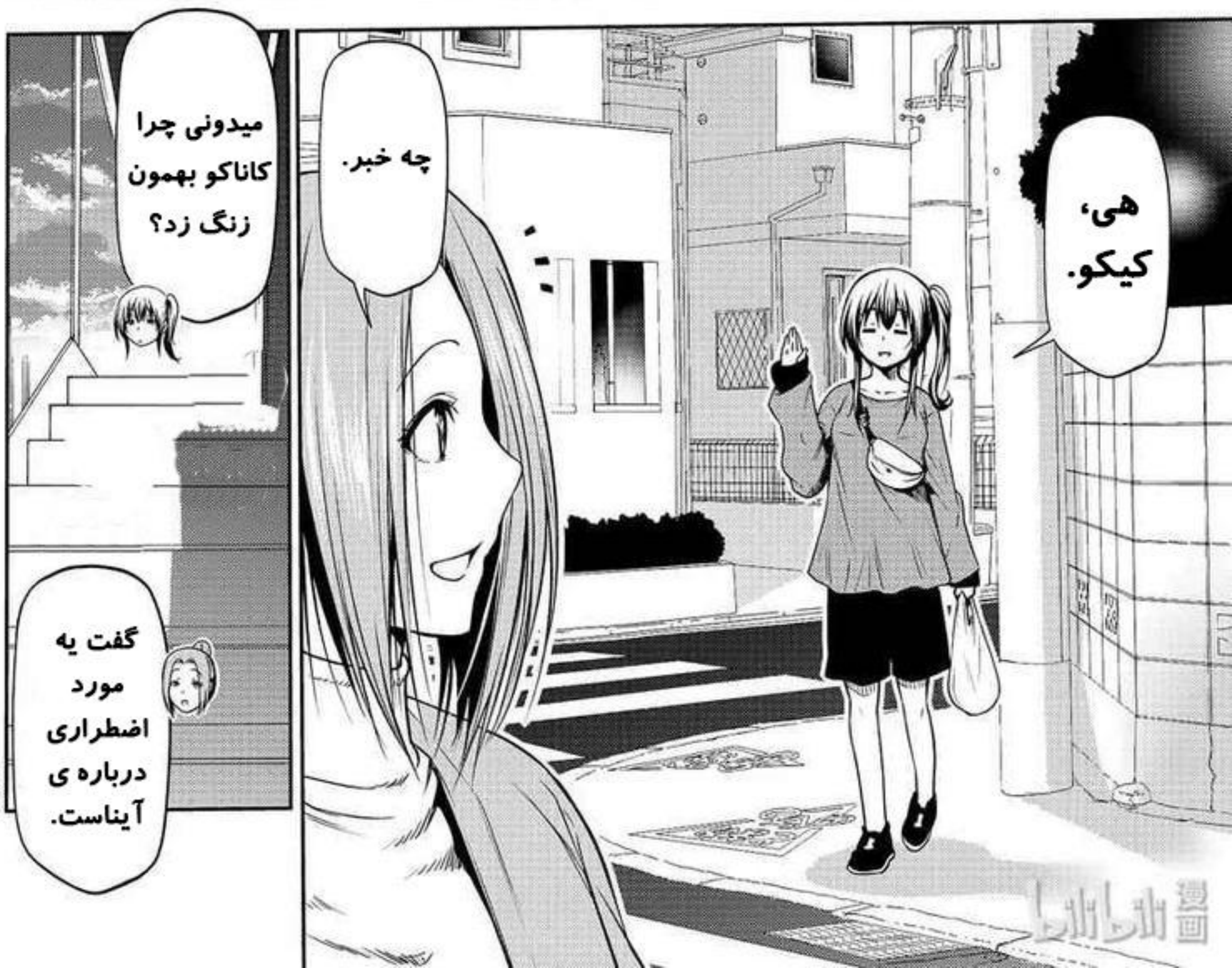
هممم؟

هم...

بیا.

لطافت عشق

لطافت عشق



منظورم
اینه که...
همه کاری که
کردی این بود
که به فیلم دیدن
دعوتش کردی.
حتی به بچه
راهنمایی هم
بیشتر از این
تلاش میکرد...



احتمالا
درباره ی
رفتن به یه
قرار دیگه تو
سینماست.

آ-آه!
♡



آ-آه!

ب-بسه!

آ-آره.

این
پیشرفت
یکم زیادی
نیست؟

این فقط یه
پیشرفت
نیست
این
تحوله!



آره، الآن نوبت
توئه کاناکو.

تو میخوای...
منم بهت
ملحق شم؟

قطعا.

ولی اینقدر
برای یه
محصل
دانشگاه
عادیه.

هاه؟





چی؟

تو هنوز
برای
پندفرش
آماده
نیستی!



حرفی
ندارم...

دوستات
چشونه؟

داری
درباره ی
چی حرف
میزنی؟

وواه،
وواه! چه
شرم آور!

کاناکو تو
و آینا
قاپی چه
چیزهایی
شدید؟





پس من
تشریفمو
میبرم.



نمیدو
-نستم
بازی
پورنه!

چه دختر
شیطونی
هست!

ایوای، و داری
با بازی های
پورن خودتو
راضی میکنی؟

واقعا؟

حرف از
مشورت عشق
آینا شد، مگه
غیر اینه که حتی
نصف راه رو
نرفته.



الآن
چی
گفتی؟

این؟ محاله
چیزی برای
یاد گرفتن ازش
وجود داشته
باشه.

اگه میخوای
درباره ی عشق
یاد بگیری، فقط
این بازی رو
تموم کن.

18+

عشق از
غریزه‌ی
انسان
برای
تولید
مثل
میجوشه!

و حرف این بازی
اینه که لایه
های داخلی
کارکرد این
مکانیزم رو شبیه
سازی کنه.
به عبارت دیگه،
این یه
کتاب
آموزشیه!

که...
اینطور؟



اگه تو
میگی
پس...

یه بار دیدن
بهتر از صدبار
شنیدنه. به
بازی ادامه
بده و خودت
بین!

کلیک
کلیک



این
لشریته!



مدرسه

میتسوها : چرا انقدر... با من خوبی؟



گفتم که!
گفتم

وقتی بار اول
دیدمش،
نگران
محتواش
بودم.

به نظر
جالب
میاد.



و بعدش،
قصه به
اوباش
میرسه!



بلاخره
اعتراف رو
گرفتیم.

اعتراف
کردن دم
غروب و تو
مدرسه،
خیلی
رمانتیکه!

کوتا : من... من دوستت دارم!
میتسوها : ...م-من خیلی خوشحالم!



مدرسه

کوتا : ...م-میشه؟

میتسوها : ...آ-آره.

و بعدش آروم شروع به بازکردن دکمه های پیرهنش کردم.





بعد از غلبه به سختی های
بیشمار، اون دوتا، در
همون کلاسی که برای بار
اول همدیگه رو در اون
دیدن...



کو...
کوهی!

.....



من واقعا
مدت
زیادی
میشه که
دوستت
دارم!



و بعدش،
وقتی عمیقا
تو رابطشون
غرق شدن...

ببخشید
که اینهمه
منتظرت
گذاشتم.

اون
کلمات...
تو بلاخره
گفتیشون



منم
همینطور...

میخوام
بیشتر
دربارت
بدونم.



میشه؟

.....



محاله



داد زدن به انگلیسی

وای...؟!

نه این یکم...

محاله که یکی...



واقعاً انتظار داشتی "میشه...؟" راضیش میکنه؟

محاله به اولین دوست پسرش تو اولین روزی که رسماً زوج شدن، اجازه بده.

و اینکه با این همه جا رو میز مدرسه انجامش بده!

کمر درد میکشش...

وای تو بازی های پورن یه چیز منطقی و عاقلانس!

بیخشد که نا امیدت میکنم ولی تو دنیای واقعی اینطور نیست.

آره، آره!



اغلب، اینطور
چیزا تو یه محیط
رومانتیک، تو یه
هتل با یه منظره
قشنگ وقتی ماه
عسل هستی،
اتفاق میفته...



نه، ورژن تو هم
خیلی اشتباهه.

اشتباه؟!!

?!!



در ضمن، این
دختره...

برای اولین بار،
زوج ها معمولا
میرن خونه ی
دوست پسره، یا
یه اتاق تو یه
هتل خوب
میگیرن.

خب، اینطور
نیست که
هیچکس دیگه
اینطور انجامش
نمیده، ولی این
واقعا به ندرت تو
این روزا اتفاق
میفته.

وات دید یو سی؟ لپی گفتی؟

داد زدن به انگلیسی؟!

حقیقت اینکه اون
چرا لباس زیرش
روست کرده یه
نشونه ی بی کلامه
که میگه اون آماده
بود مستقیم بره
سر کار اصلی.



ب-باشه، الآن
بزارید فقط
بازی کنیم و
ببینیم چطور
پیش میره.

خب، اینا فقط
نظرات شخصی
ماست، اونا
لزوما درباره
ی اکثریت
مردم نیستن.

معمولا من
هرچی
جلوم باشه
میپوشم.

آره و فقط
وقتی میری که
کار رو تموم
کنی یه ست
کامل بپوش.

باید خوب
دقت کنی که
توی تابستون
لباس زیر ست
نپوشی، چون
ممکنه که
کسی از بین
پارچه نازک
بالایی لباس
ببینه.

باشه،
زدن با
این
حقایق
آزاردهنده
باشه!

آره.





Damn it!!

♦ داد زدن به انگلیسی ♦

هر جور به
این نگاه
کنی، این
داستان
کاملاً به
آشغاله.



!!!
!!!
!!!

شنیدی
که؟

این اولین بار
برای دوتای
شماست، پس
یکم آمادگی
لازمه.

همونطور که
گفتم، لازم نیست
که درست بعد از
قرار گذاشتن
انقدر پیش بری!

و این نظر
شخصی منه ولی
فهمیدم که
آماده سازی مثل
بوس کردن و
اینا خیلی کوتاه
بود.

با اینکه بعضی
وقتا ممکنه
باحال باشه که
یه نگاه به چیزا
از نمای یه
شخصیت بازی
بندازی.

هر جور
حساب کنی،
نیستن.

این نمیتونه واقعی
باشه... این... این
بازی های شبیه
ساز باید راهنمایی
برای دنیای واقعی
باشه... کتاب
آموزشی عشق...

カチ
カチ

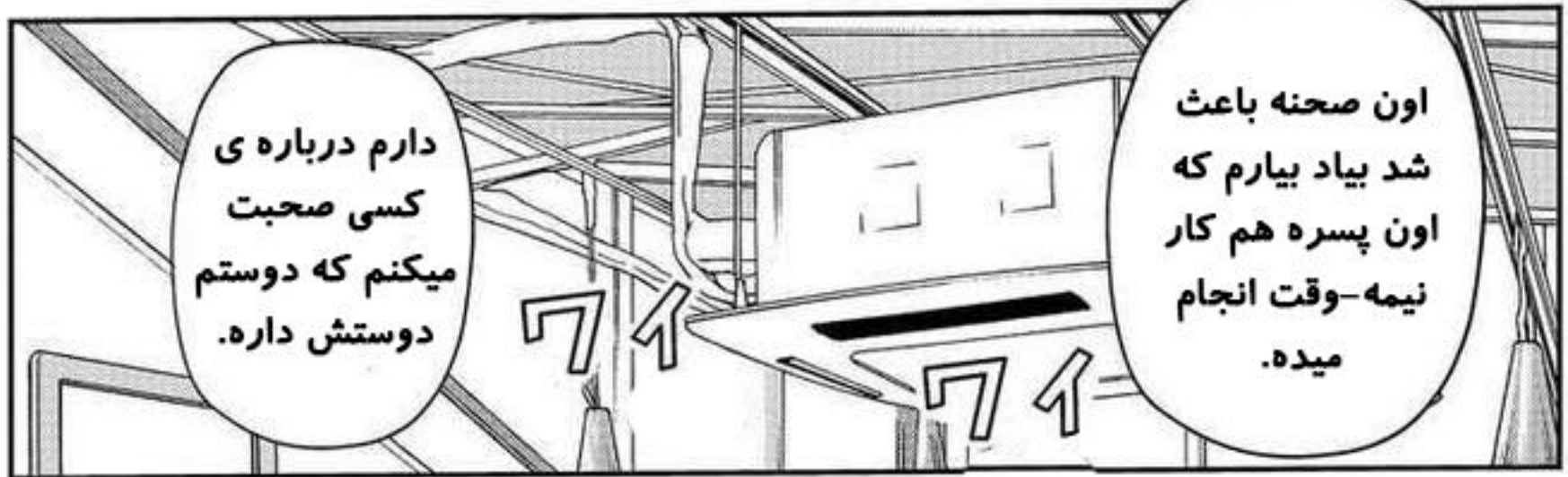




فقط به نگاه به
اون صورت
کافیه تا بخوام
یه نفرو بکشم.

هی هی هی

نگفتم که
کمکت
میکنم؟



دارم درباره ی
کسی صحبت
میکنم که دوستم
دوستش داره.

اون صحنه باعث
شد بیاد بیارم که
اون پسره هم کار
نیمه-وقت انجام
میده.



کاریت
نباشه.

ولی اگه الانشم
یه یه کاری
براش کردی،
چرا ما اینجا
برای همفکری
جلسه گذاشتیم؟

من یه
نقشه
برای این
دارم.

نگران
نباش،

چی میشه اگه
پسره شیفت های
زیادی سر کار
بگیره؟ به نظر فکر
خوبی میاد.

هاه؟

واقعا؟!

همونطور که
از کوهی
انتظار میرفت!



این اواخر،
تو تالار
بزرگ
کارگرهای
زیادی
نداریم.

اوتویا-کون،
مگه معمولا تو
آشپزخونه کار
نمیکنی؟

اوتویا!

چطوری؟



خوش
اومدید،
مشتری های
عزیزمون!

خوشحالم که شما
دوتا رو اینجا میبینم!



راستی،
اوتویا.

برای
من...
هم...

هم؟



آماده اید
که
سفارش
بدید؟

من اینو
دوست
دارم.

اه
لطفا یه
لحظه.



کیتاها را یه
وعده مهمونت
کرد؟



نه؟

او-هاه...

چیزی
اتفاق
افتاده؟

چندر روز
پیش توی
قرعه کشی
یه جایزه
برد.

واو، چه
خوش
شانس!

همه از صمیم
قلب بهش
تبریک
گفتند.

در حال تبریک گفتن

راستش،
اون
حرومزاده-



ولی ما نگران
بودیم که اون
چطور میخواد
پولا رو خرج
کنه.

همه چیز بر
این دلالت داره
که اون احمق
میخواد روی یه
زن خرجشون
کنه.

منظورت
چییه؟

چی؟!



فکر نمیکردم
کیتاها را سنپای
همچین کاری
انجام بده...

و بیشتر
بگم که،



فقط
دوتاشون.

فقط
دوتاشون؟

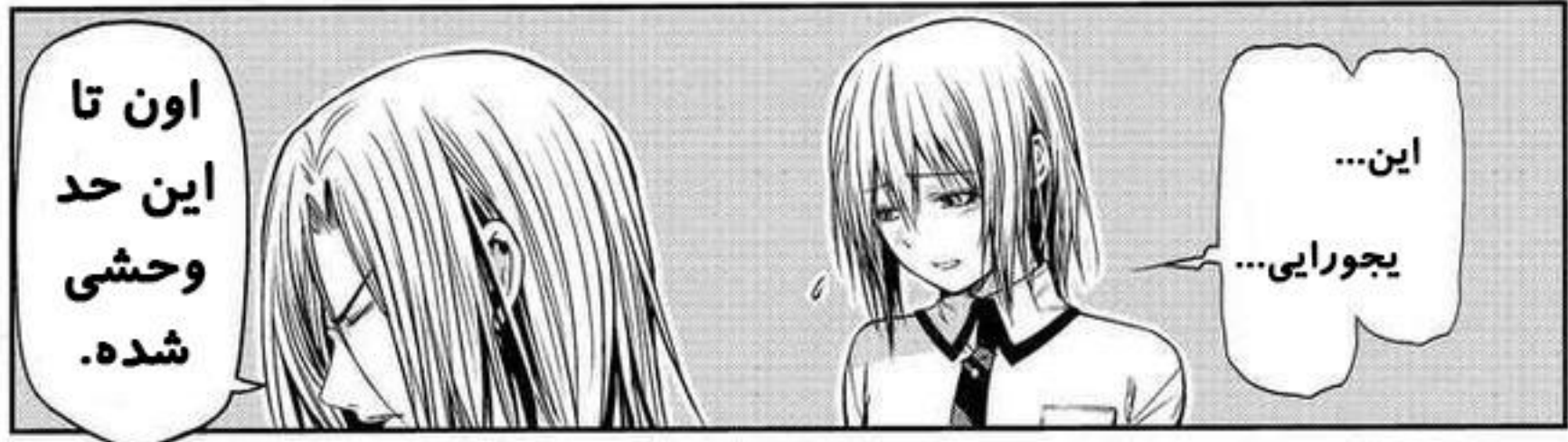
چن انتخاب
کنم..

چن انتخاب
کنم..

کیتاها را - سنپای
میخواود با یه
شخص از جنس
مخالف سفر
بره...



اون آشغال
ظاهره میخواد
که با یه دختر
سفر بره.



اون تا
این حد
وحشی
شده.

این...
یجورایی...



هم...



شما دوتا
داشتید
راجب چی
حرف
میزدید؟

آه-
ها-
ها...

پس، وقتی
آزاد بودی
برو و تمام
برنامش رو
با شیفت
کاری پر
کن.



دوست
دارم که یه
پاستای تند
سفارش
بدم!

ها؟
و-ولی...

بزار رک و پوست
کنده بگم، برای
اینکه جلوی رغبت
کنترل نشدنیش رو
بگیریم، ما باید با یه
چیزی مشغولش
کنیم. اینطوری حتی
اگه بخواد بره سفر
نمیتونه بره.



اون
احمق...

سفر...
با یه
دختر...

هلاک شده (به گا رفته)





آره... و
میخواستم یه
وقت پیدا
کنم که به یه
سفر غواصی
برم...

تو کلاس ها
رو هم داری،
باید سخت
باشه که وقت
آزاد نداشته
باشی.

خوبه! با اینکه
نمیدونم چطور
اتفاق افتاده،
ظاهرا نقشه داره
خوب پیش میبره!

ن-نیستم...

چرا از
شنیدنش
خوشحالی؟

اوه-
هو-
هو..



ععهه
هههه
ههه!!!

این
عالیه،
ایوری!

خب، خوشبختانه
هفته بعد
فروشگاهی که
توش کار میکنم،
قراره بخاطر
نوسازی بسته
پس فقط باید تا
اونوقت تحمل کنم.



هاه
فهمیدم.

پس...
برنامه
اینه که...



ایه؟

پس نظرت
چیه که تو هم
به یه سفر
غواصی بری،
آینا؟

آ-هاه.

این برای
من یه
پایانه.



ر-راست
میگی!

تو پول تو جیبی کافی
برای هزینه های
همچین سفری رو پس
انداز کردی، درسته؟

از اونجایی که داریم
راجب یه سفر غواصی
صحبت میکنیم، اگه تو
هم اونیکاوا رو انتخاب
کنی، کسی شک
نمیکنه. اگه خوش
شانس باشی، حتی
میتونی اونجا ببینیش.



نه، برای
غواصی یه
همراه
میخوای
پس...

...در ضمن،
میخوای
تنها بری؟

موفق
باشی!

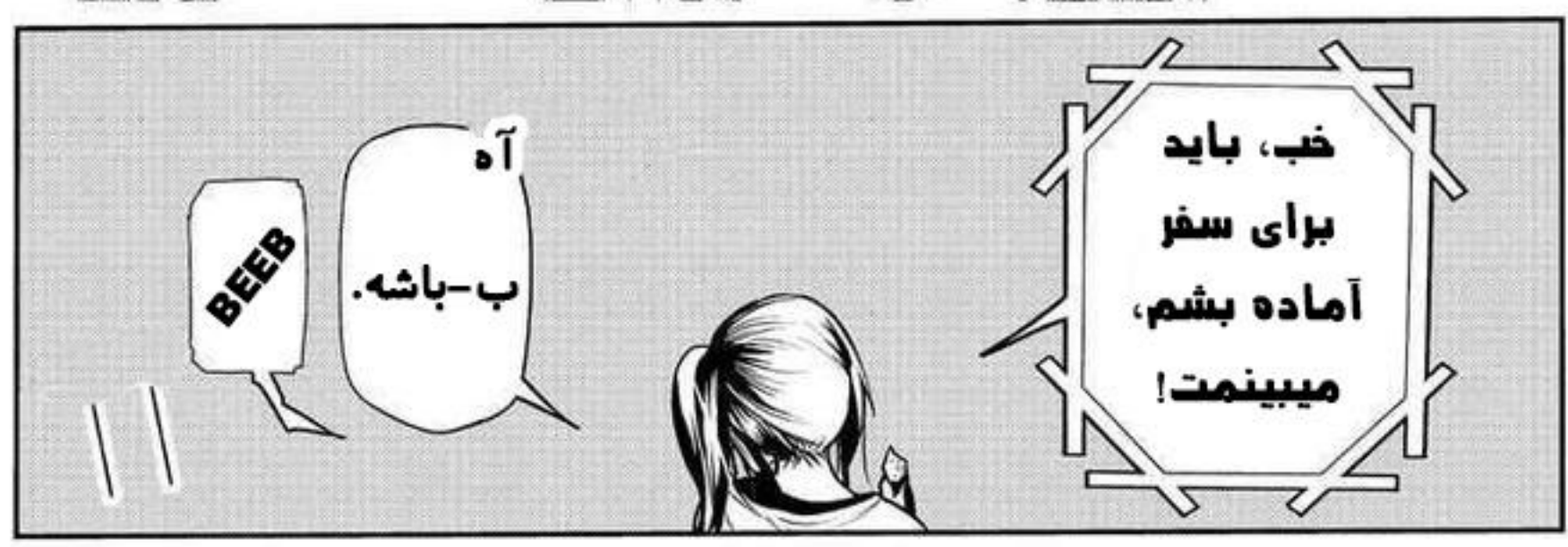
ممنونم!
همینه!



میرم که
به کوی
زنگی
بم
باید

هاه؟

CRUNCH



خب، باید
برای سفر
آماده بشم،
میبینمت!

آه
ب-باشه.

BEEB



این
یعنی، آینا هم با
یه پسر
میره
سفر؟